



مالیات ۱۴۰ هزارتومانی رئیس اتحادیه طلافروشان!

در زمان اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و در بحث مالیات بر ارزش افزوده، رئیس اتحادیه طلافروشان در مرکز یکی از استان‌ها در سال ۱۴۰ هزار تومان مالیات پرداخت می‌کرد

گزارش

کتاب محرم‌نامه‌های اقتصاد ایران که حاوی اطلاعاتی از فضای اقتصادی سال‌های دولت‌های نهم و دهم است، شامل روایت‌هایی است که از سوی سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی آن سال‌ها عنوان شده است. حسینی از شرایط اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در زمان دولت

احمدی‌نژاد سخن گفت و با اشاره به برخی موافقت‌ها و مخالفت‌ها در این باره، به پرداخت یارانه نقدی به عنوان بهترین گزینه و روش اشاره کرد. در این شماره، وی از موافقت بیشتر نمایندگان وقت مجلس با اجرای این طرح سخن گفته است.

● آیا تنش میان مجلس و دولت به حدی رسید که بخواهید لایحه را پس بگیرید یا از ادامه کار منصرف شوید؟

به نظر من غیر از درصد کمی از نماینده‌ها که البته در مجلس بسیار تأثیرگذار هم بودند اغلب نمایندگان مجلس همراه و موافق دولت بودند.

البته دولت هیچ وقت به دلیل برخی رفتارهای نماینده‌ها، تصمیم نگرفت که کار را پیگیری نکند، ما مصمم بودیم که کار را به اتمام برسانیم. یادم هست روز اولی که هدفمندی توسط

دولت مطرح شد، برخورد‌های خاصی صورت گرفت. اما به مرور زمان دیدیم که ۱۸۸ نفر به لایحه هدفمندی رأی مثبت دادند که رأی بالایی محسوب می‌شود.

شما اگر به رأی لایحه و طرح‌هایی که جنبه‌های اجتماعی دارند، با توجه به اینکه بر میزان رأی نمایندگان در دوره‌های بعد مجلس تأثیر مستقیم دارند نگاه کنید، خواهد دید هیچ لایحه‌ای با این حمایت و رأی مثبت نمایندگان روبه‌رو نبوده است.

● یکی از مواردی که قبل از اجرای رسمی قانون یارانه‌ها اتفاق افتاد و شاید موجب تأخیر در اجرای قانون نیز شد، اتفاقاتی بود که در حوزه شناسایی افراد فقیر و ثروتمند رخ داد. لطفاً توضیح بدهید در خوشه‌بندی چه جریانی پیش آمد که رئیس مرکز آمار یک روز به تلویزیون آمد و چند روز بعد یک دفعه همه چیز تغییر یافت و حرف‌های آقای مدد رئیس مرکز آمار نیز عوض شد. روایت‌ها در این باره متفاوت است، شما به عنوان

کسی که مطلع و تصمیم گیر در این باره بودید توضیح دهید جریان خوشه‌بندی چه بود؟

در این باره به عنوان کسی که در حوزه شناسایی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات اقتصادی خانوار، سال‌ها قبل از وزارت، مطالعات کارشناسی انجام داده‌ام سخن می‌گویم. بنده در زمان برگزاری اولین همایش ملی فقرزدایی که در دولت دوم آقای هاشمی رفسنجانی برگزار شد و ایشان نیز در افتتاحیه این همایش حضور داشته و سخنرانی کردند، در سازمان برنامه حضور داشتم و دبیر و مسئول برگزاری آن همایش بودم. آن زمان نیز بحث اصلاح قیمت‌های انرژی مطرح بود. یادم هست زمانی که آقای دکتر میرزاده رئیس سازمان برنامه و بودجه بود، اعضای سازمان پیشنهاد افزایش قیمت بنزین را مطرح کردند.

بنده به همراه آقایان عباس عرب‌مازار و عسگری آزاد که آن زمان معاونان سازمان برنامه بودند و آقای حسن حاج علی فرد که رئیس مرکز آمار بود در معیت دکتر میرزاده به دفتر آقای هاشمی رفسنجانی رفتیم. آنجا یکی از پیشنهادهای دوستان سازمان برنامه و بودجه، افزایش قیمت بنزین بود. از آنجا که این ماجرا در آخرین ماه‌های دولت آقای هاشمی بود وی در آن جلسه مخالفت کرد و گفت: «افزایش قیمت بنزین در این شرایط، قیمت سایر کالاها را بشدت افزایش می‌دهد.» لذا رئیس جمهور وقت در همان جلسه با این مسأله مخالفت کرده و به نوعی آن را وتو کرد. می‌خواهم این را بگویم که سابقه ذهنی هدفمند کردن یارانه‌ها در



زمانی که آقای دکتر

میرزاده رئیس

سازمان برنامه و

بودجه بود، اعضای

سازمان پیشنهاد

افزایش قیمت بنزین

را مطرح کردند.

بنده به همراه آقایان

عباس عرب‌مازار و

عسگری آزاد که آن

زمان معاونان سازمان

برنامه و بودجه بودند

و آقای حسن حاج

علی فرد که رئیس

مرکز آمار بود در

معیت دکتر میرزاده

به دفتر آقای هاشمی

رفسنجانی رفتیم. آنجا

یکی از پیشنهادهای

دوستان سازمان

برنامه و بودجه،

افزایش قیمت بنزین

بود. از آنجا که این

ماجرا در آخرین

ماه‌های دولت آقای

هاشمی بود وی در

آن جلسه مخالفت

کرد و گفت: «افزایش

قیمت بنزین در

این شرایط، قیمت

سایر کالاها را بشدت

افزایش می‌دهد

کافی نیست. بلکه باید آدرس این

دهک‌ها و اطلاعات اقتصادی آنها را

داشته باشیم. لذا قرار شد یک طرح

آمارگیری شبیه طرح سرشماری توسط

مرکز آمار ایران صورت بگیرد. انصافاً

کار بسیار بزرگی در مرکز آمار صورت

گرفت که از نظر بنده قابل تحسین

بود. منتها اشتباهی که صورت گرفت

اعلام عمومی نتایج این طرح بود

که برخی گمان کردند قرار است سه

دهک بالای درآمدی حذف شود.

تجربیات مفیدی که قبل از اجرا به

دست آوردیم این بود که این طرح

قابلیت استفاده برای شناسایی

یکایک خانوارها را نداشت.

● دلیل این امر چه بود؟

اطلاعات اقتصادی پایین‌ترین

طبقات جامعه از لحاظ درآمدی در

دسترس نبود، لذا شناسایی تعداد

قابل توجهی از فقرا غیرممکن بود. طبیعی

از طرفی اطلاعات اقتصادی طبقات

متوسط به بالا و مهم‌تر از آنها طبقات

بالای درآمدی به خصوص در بخش

غیردولتی و غیررسمی اقتصاد نیز

مخدوش و غیرشفاف بود. طبیعی

بود کارمندان دولت بر اساس میزان

حقوقشان تا حدی قابل شناسایی

بودند، اما این رتبه‌بندی در فعالان

بازار به دلیل عدم شفافیت در میزان

درآمدها، امکان‌پذیر نبود. همان‌طور

که در بحث مالیات بر ارزش افزوده

گفتم، رئیس اتحادیه طلافروشان

در مرکز یکی از استان‌ها در سال ۱۴۰

هزار تومان مالیات پرداخت می‌کرد.

خب این شخص بر اساس چه درآمدی

چنین مالیاتی پرداخت کرده است؟

در حالی که یک کارمند معمولی در

سال چندین برابر این مبلغ مالیات

می‌دهد. لذا باید اذعان داشت که

همچنان ساختارهای اطلاعاتی ما

ایراد دارد.

● مردم اطلاعات نادرست

می‌دادند؟

نمی‌توان این مسأله را به همه تعمیم

داد، اما بخش قابل توجهی از این

اطلاعات قابل استفاده نبود. البته

نتایج کلی حاصل شده از این آمارها

برای بررسی ویژگی‌های توزیع درآمدی

در کشور کاملاً مستند و قابل استفاده

بود اما زمانی که می‌خواستیم به

استناد این آمارها به کسی یارانه

نقدی بدهیم یا دیگری را از گرفتن

یارانه محروم کنیم، این اطلاعات

قابل استناد و اعتماد نبود. به یاد

دارم آن روزها همه سنگینی به مرکز

آمار وجود داشت. بدین ترتیب در

سالن تلفیق مجلس در کمیسیون

ویژه طرح تحول اقتصادی، جلسه‌ای

تشکیل شد که در آن دکتر مدد رئیس

وقت مرکز آمار، گزارشی را به حضار

ارائه کرد. بعد از ارائه این گزارش

جلسه کاملاً تحت تأثیر قرار گرفت و

عموم دوستان معتقد بودند این طرح

به‌عنوان طرح آمارگیری بسیار موفق

بوده و اطلاعات خوبی به دست آمده

است. اما دهک‌بندی افراد جامعه بر

اساس آن، دارای خطاهای زیادی بوده

و قابل استفاده نیز نبود.

● در ابتدا فکر می‌کردید

خوشه‌بندی امکان‌پذیر باشد و

موفق خواهد شد؟

در مورد خوشه‌بندی به هیچ وجه

قضاوت قطعی نداشتیم. حتی زمانی

که می‌خواستیم این کار را شروع

کنیم، وقتی با برخی از افراد دلسوز

مشورت کردیم، نظراتشان کاملاً

برعکس بود. نگاه دولت به این طرح،

مانند سایر طرح‌های آماری بود که در

کشور اجرا می‌شد. هیچگاه ما اجرای

هدفمندی را به این طرح آماری گره

نزدیم.

● اما این اتفاق افتاد! بعد از

اینکه آقای مدد در شبکه دوم

سیم‌ها حاضر شد و جزئیات

خوشه‌بندی و دهک‌بندی‌ها

را اعلام کرد، شدت انتقادات

نسبت به مرکز آمار بیشتر شد.

فردای آن روز، شما و آقای فرزین

شروع به گفت‌وگو با رسانه‌ها

کرده و حرف‌های رئیس مرکز

آمار را تکذیب کردید که آقای

مدد نیز بلافاصله برکنار شد.

لطفاً درباره این اتفاقات توضیح

بدهید.

ما نباید مشارکت و زحمات مرکز

آمار در اجرای هدفمندی را به

طرح خوشه‌بندی محدود کنیم.

اگرچه مجدداً تأکید می‌کنم طرح

خوشه‌بندی به‌عنوان یک طرح

آمار، کار بسیار مفید و پرزحمتی

بود، اما به‌عنوان طرحی که مبنای

توزیع یارانه قرار بگیرد، مناسب نبود.

● کسی به آقای مدد گفته بود

که آن شب به تلویزیون برود و

خبر دهک‌بندی را به‌طور رسمی

اعلام کند؟

من در جریان نبودم که آقای مدد

می‌خواهد برای اعلام جزئیات

خوشه‌بندی به تلویزیون برود. خودم

همان زمان که آقای مدد داشت در

تلویزیون درباره دهک‌بندی‌ها حرف

می‌زد، متوجه شدم. البته فارغ از

اینکه جایگاه منع وی را داشته باشیم

یا نه، هرگز آقای مدد را از کاری منع

نکرده بودیم. اما برای رسانه‌های شدن

۱۸۸ نماینده به هدفمندی رأی مثبت دادند

غیر از درصد کمی از نماینده‌ها که البته در مجلس بسیار تأثیرگذار هم بودند اغلب نمایندگان مجلس همراه و موافق دولت بودند. البته دولت هیچ وقت به دلیل برخی رفتارهای نماینده‌ها، تصمیم نگرفت که کار را پیگیری نکند، ما مصمم بودیم که کار را به اتمام برسانیم. یادم هست روز اولی که هدفمندی توسط دولت مطرح شد، برخورد‌های خاصی صورت گرفت. اما به مرور زمان دیدیم که ۱۸۸ نفر به لایحه هدفمندی رأی مثبت دادند که رأی بالایی محسوب می‌شود. شما اگر به آرای لایحه و طرح‌هایی که جنبه‌های اجتماعی دارند، با توجه به اینکه بر میزان آرای نمایندگان در دوره‌های بعد مجلس تأثیر مستقیم دارند نگاه کنید، خواهد دید هیچ لایحه‌ای با این حمایت و رأی مثبت نمایندگان روبه‌رو نبوده است.



برش